

جدال موافقان و مخالفان حق رأی زنان برای شرکت در انتخابات

ساره عسگری
سیاوش شوهانی

هم‌زمان با انقلاب مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی در ۱۵ مرداد ۱۲۸۵ بحث مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان نیز مطرح گردید. با بازگشایی مجلس و تصویب قانون انتخابات، زنان از حق رأی محروم گردیدند.^۱ در آن زمان دو گرایش عمده در بین زنان کشور وجود داشت، اول زنانی که طالب حقوق سیاسی زنان بودند، مانند «انجمن غیبی نسوان» و دوم کسانی که مخالف شرکت زنان در امور سیاسی بودند و به بحث سواد آموزی و ایجاد مدارس می‌پرداختند.^۲

«انجمن غیبی نسوان» در واقع یگانه تشکل سیاسی زنان هم‌زمان با مجلس اول شورای ملی است که در تهران در سال ۱۳۲۵ قمری تشکیل گردید و به فعالیت پرداخت. متأسفانه اطلاعات چندانی در مورد این انجمن و فعالیت‌های آن در دسترس نیست، این انجمن در سال ۱۳۲۶ قمری کوشید تا فعالیت‌های خود را علنی سازد و در همین رابطه مرتضی قلی‌خان نائینی، نماینده ملاکین اصفهان این موضوع را در مجلس مطرح نمود. اما نمایندگان مجلس در مورد آن به نتیجه نرسیدند و نظر حاکم بر مجلس آن بود که «انجمن غیبی نسوان» قابل مذاکره نیست و باید از فعالیت آن جلوگیری نمود.^۳

۱. نظام‌نامه انتخابات، رک. مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول، ماده مصوب درباره شرایط شرکت‌کنندگان در انتخابات، ۲۵ حمل(فروردین) ۱۲۸۶ خورشیدی، ص ۱۳۹.

۲. احمدی خراسانی، نوشین و پروین اردلان؛ سناتور، تهران، توسعه، ۱۳۸۲ ص ۳۷۹.

۳. خسرو پناه، محمدحسین؛ هدف و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران، نشر پیام امروز، ۱۳۸۱، ص ۲۶.

در واقع تشکیل انجمن غیبی نسوان و ارائه برنامه اصلاحی از سوی آن نشانه‌ای آشکار و جدی از خواست زنان برای حضور و دگرگونی نقش اجتماعی خویش و تلاش برای دستیابی برابری با مردان است. این انجمن تعریف جدیدی را از زن و وظایف او در جامعه ارائه داد که فرهنگ حاکم بر جامعه آن را نفی می‌کرد. بعد از تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب قانون انتخابات، زنان به طور قطع از حق رأی محروم شدند. براساس ماده دهم قانون انتخابات مصوب ۱۳۳۹ قمری «کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند، عبارت بودند از: ۱. نسوان ۲. کسانی که خارج از رشد و آن‌هایی که تحت قیمومت شرعی هستند ۳. تبعه خارجی ۴. اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع به ثبوت رسیده باشد ۵. اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند ۶. ورشکستگان به تقصیر ۷. متکدیان و اشخاصی که به وسایل بی‌شرفانه معاش می‌کنند ۸. مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند ۹. مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند»^۱ و براساس ماده سیزده قانون انتخابات اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند عبارتند از: «۱. شاهزادگان بلافصل (بناء و اخوان و اعمام پادشاه) ۲. نسوان ۳. تبعه خارجی ۴. مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام بری و بحری به استثناء صاحب منصبان افتخاری ۵. حکام کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود ۶. مأمورین مالیه در قلمرو مأموریت خود»^۲

هم زمان با تصویب این قانون، زنان در فنلاند حق رأی به دست آورده بودند (۱۹۰۶)، در نیوزلند تنها می‌توانستند رأی بدهند (۱۹۸۳) و جنبش حق رأی برای زنان در آمریکا و انگلیس به راه افتاده بود.^۳ محرومیت زنان از حق رأی در مجلس با بحث‌ها و واکنش‌هایی همراه بود، چنان‌که محمدتقی وکیل‌الرعایاء، نماینده همدان، در مجلس دوم خواهان حق رأی زنان بود. او با ذکر دلایلی از نمایندگان خواست نگرش خود را به این موضوع تغییر دهند. وی در یکی از جلسات مجلس در این باره گفت: «بنده خیلی جرات می‌کنم و عرض می‌کنم که در آن اول، محروم کردن نسوان است که یک قسمت از مخلوق خداوند است که آن‌ها را محروم می‌کنیم با کدام دلایل منطقی آن را محروم می‌کنیم؟»^۴ اما ذکاءالملک فروغی که طرح بحث حق رأی زنان را در آن شرایط نامناسب می‌دانست، در این باره اظهار نموده است: «بنده گویا از همه کس بیشتر هواخواه این هستم که زنان ما یک حقوق عمده داشته باشند. خیلی تربیت زندگانی صحیح داشته باشند و حقوق ثابت معینی که دارند، داشته باشند. (اما مسائل حق رأی زنان) یک نزاع خیلی بزرگ است ولی مترقب نبودیم که اینجا پیش بیاید. این که ما سلب آن حق را از آنها کردیم محتاج دلیل و برهان نیست که توضیح بدهیم. هر وقت که ممکن بود که زن‌ها بیایند و در انتخابات شرکت کنند و رأی بدهند فوراً تصدیق خواهیم کرد.»^۵

۱. قانون انتخابات، مصوب ۱۳۳۹ ه‍.ق، ماده دهم.

۲. قانون انتخابات، ماده سیزده

۳. خراسانی، همان، ص ۳۸۰.

۴. مشروح مذاکرات، دوره دوم، جلسه پنجشنبه ۸ شعبان ۱۳۳۹ قمری (۱۲ مرداد ۱۳۹۰).

۵. مشروح مذاکرات به نقل از خراسانی، همان ص ۳۸۲؛ خسروپناه همان ص ۳۱.

بعد از دوره استبداد صغیر و شروع به کار دومین دوره مجلس شورای ملی، فعالان حقوق زنان انتظار داشتند که گامی در جهت احقاق حقوق سیاسی آن‌ها برداشته شود چرا که فعالیت‌های زنان در دوره اول مجلس و مبارزه با استبداد صغیر، هم‌چنین تلاش‌های آن‌ها در مخالفت با استقراض خارجی و اولتیماتوم روسیه، مسئولیت‌پذیری و میهن‌دوستی آنها را اثبات کرده بود. با این حال در سال ۱۳۲۹ قمری هنگامی که کمیسیون رسیدگی به نظام‌نامه انتخابات، تجدیدنظر و اصلاح نظام‌نامه انتخابات مجلس را در دستور کار نمایندگان قرار داد، زنان را مجدداً از حق رأی محروم نمود.^۱ با این حال مخالفت اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی به معنای مخالفت با حضور و فعالیت مستقل زنان در صحنه سیاسی کشور نبود. چرا که عده‌ای از رهبران و فعالان سیاسی کشور با فعالیت‌های سیاسی زنان در جهت پیش‌برد و تأیید سیاست‌های دولت و مجلس شورای ملی نه تنها مخالفتی نداشتند بلکه این قبیل فعالیت‌ها را به عنوان حساسیت وطن پرستانه نسوان تأیید و تشویق می‌کردند. به رغم تمامی مخالفت‌ها گرایش‌های در بین فعالان زنان مطرح بود که خواستار فعالیت سیاسی مستقل زنان براساس ارزیابی و تحلیل زنان از رخدادهای سیاسی کشور بود. این گرایش که در دوره اول مجلس در «انجمن غیبی نسوان» متجلی گردیده بود از دوره دوم مجلس به بعد دارای سازماندهی معین و مشخصی نبود.^۲ و تلاش برای شکل‌گیری چنین کانون‌هایی نیز با مخالفت صریح حاکمیت مواجه می‌شد، به طور نمونه در دوره سوم مجلس هنگامی که مزین السلطنه (مریم عمید سمنانی)، مدیر روزنامه شکوفه، دوازده نفر را به عنوان کاندیدای منتخب این دفتر جهت انتخابات مجلس سوم معرفی نمود، وزرات معارف به دلیل این که این نشریه از حیطة اختیاراتش پا را فراتر نهاده، آن را تعطیل کرد.^۳ اما کسانی چون وکیل‌الرعا یا در مجالس بعدی بودند که از حق رأی زنان دفاع کنند؛ محمدهاشم میرزا افسر، نماینده مشهد، در مجلس چهارم بیان داشت که با وجود قانونی که زنان در آن از حق رأی محرومند، انتخابات نمی‌تواند آزادانه باشد.^۴ سید ابوالحسن حائری‌زاده، نماینده یزد، در همان مجلس با بیان این که همواره به اسم آزادی از عامه، سلب آزادی نموده‌اند، بر لزوم رفع ممنوعیت زنان برای شرکت در انتخابات تأکید کرد.^۵ هم‌چنین در نامه فرنگستان، از ارگان‌های حزب تجدد در مجلس پنجم در سال ۱۳۰۳ آمده است «تا زمانی که هر مرد بی‌سوادی حق رأی دادن دارد و یک نفر زن عالمه از حق رأی دادن و دخول در پارلمان حتی برای تماشا کردن محروم است، امید ترقی نیست.»^۶ آخرین باری که در مجلس، در دوره پهلوی اول مسئله حق رأی زنان مطرح شد در مجلس پنجم بود که میرزا عبدالله یاسائی، نماینده سمنان و

۱. خسروپناه، همان، ص ۱۲۶.

۲. همان ص ۱۲۹.

۳. خسروپناه، همان، ص ۱۳۱ و احمدی خراسانی، همان، ص ۳۸۲.

۴. مذاکرات مجلس، دوره چهارم، جلسه ۹۱، مورخ ۳۰ حمل (فروردین) ۱۳۰۱ خورشیدی، ص ۲۲۵.

۵. مذاکرات مجلس، دوره چهارم، جلسه ۹۳، مورخ ۷ ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۱ خورشیدی، ص ۲۴۶.

۶. خراسانی، همان، ص ۳۸۴.

دامغان، به برخی از نواقص قانون انتخابات از جمله عدم شرکت زنان در انتخابات ایراداتی وارد کرد.^۱ اما در مقابل چنین اعتراضات انگشت‌شماری، اکثریت مجلس حتی با طرح این دیدگاه در ساحت مقدس مجلس نیز مخالفت می‌کردند.

تغییر برای بهبود وضعیت زنان در دوره پهلوی اول پس از دیدار رضاخان از ترکیه و تحت تاثیر اقدامات آتاتورک ادامه یافت، اما کسب حق رأی توسط زنان ترکیه در سال ۱۳۱۳ تأثیری در نظر رضاشاه پیرامون این مساله نداشت و با وجود فعالیت‌های نمایی از سوی حاکمیت از جمله کشف حجاب، زنان نتوانستند حق شرکت در انتخابات را به دست آورند.

پس از شهریور ۱۳۲۰ و برکناری رضاخان، حزب توده در نخستین کنگره خود در ۱۰ مرداد ۱۳۲۳ مساله حقوق زنان را در برنامه خود گنجانده و در بند ۶ برنامه خود حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را برای زنان در مجلس مقننه به عنوان یکی از مهم‌ترین خواسته‌های خود به رسمیت شناخت. در دی‌ماه ۱۳۲۳ عده‌ای از نمایندگان، هم‌زمان با بحث اصلاح قانون انتخابات در مجلس چهاردهم با طرح قانون انتخاباتی جدید خواستار حق رأی زنان شدند.^۲ در این مجلس چهره‌هایی چون دکتر فریدون کشاورز، نماینده بندر پهلوی، از طرف فراکسیون حزب توده و چند تن از نمایندگان دیگر، طی ارائه طرح قانونی به مجلس، خواستار «برابری و تساوی حقوق و مزایای اجتماعی زنان با مردان از قبیل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی» شد.^۳ که در مقابل با مخالفت‌های اکثریت مجلس از جمله بهادری، نماینده ارسباران و اهر، گردید که در پاسخ به وی فریاد زد: «این برخلاف اسلام است، برخلاف قرآن مجید است، خارج از حدودی که اسلام معین نموده رفتار کردن است، برخلاف قرآن و دین اسلام است...»^۴

اما مخالفت‌های گسترده‌ای که با فعالیت سیاسی زنان وجود داشت موجب نشد که آن گروه از زنانی که خواستار مشارکت زنان در صحنه سیاسی بودند از مواضع خود عقب‌نشینی کنند. از جمله زنان پیش‌رو در این عرصه صدیقه دولت‌آبادی بود که در سال ۱۳۳۱ و پس از یک دهه از اظهار نظر مجلس درباره حق رأی زنان، در اعتراض به محروم بودن زن ایرانی از حق رأی می‌نویسد: «ما خیلی افسوس داریم که برادران ما وقتی [نظام‌نامه] انتخابات مجلس و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدیة را می‌نوشتند، برای این که ما زنان حق رأی نداشته باشیم و شرکت نجوئیم ما را در ردیف قاتل‌ها، مجانین و ورشکستگان نوشتند. اگر اندکی دقت نظر می‌کردند که ما زنان بی‌حق، هرگز مانند آن برادران با حق در انتخابات پارلمان و غیره، مستبدین و ملاکین را برای تعالی و سعادت ملت رنجبر، کارگران و پیشرفت آزادی انتخاب نمی‌کردیم.»^۵

در اردیبهشت ۱۳۳۰ دولت وقت، پیش‌نویس لایحه تغییر قانون انتخابات را تنظیم کرد، که در این

۱. مذاکرات مجلس، دوره پنجم، جلسه ۱۱۱، مورخ ۲۵ جدی (دیماه) ۱۳۰۳ خورشیدی، ص ۷۵۷ به بعد.

۲. خراسانی، همان، ص ۳۸۷.

۳. مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، جلسه ۵۳، مورخ ۲۴ مرداد ۱۳۲۳ خورشیدی، ص ۸۳۴.

۴. همان.

۵. خسروپناه، همان، ص ۱۳۲.

پیش‌نویس حق رأی برای زنان را به رسمیت شناخته شده بود. حزب زنان ایران به منظور تصویب این لایحه تلاش زیادی نمود، اما متأسفانه با مخالفت احزاب و گروه‌های مختلف در جامعه، دولت حق رأی زنان را از پیش‌نویس لایحه انتخابات حذف کرد.^۱ نمونه‌هایی از این مخالفت‌ها به صحن علنی مجلس نیز کشیده شد، سیدشمس‌الدین قنات‌آبادی، نماینده شاهرود، از هر فرصتی برای مخالفت با این لایحه بهره برد^۲ و سیدباقر جلالی موسوی، نماینده دماوند، در نطقی طولانی حضور زنان در انتخابات را منافی با مشروطیت، قانون اساسی و اسلام دانست و از اقدام دولت در حذف مواد حضور زنان در انتخابات حمایت کرد.^۳ اسنادی که در ادامه این مقاله آورده خواهد شد نشان از جدال موافقان و مخالفان حضور زنان در انتخابات، به عنوان شرکت‌کننده و کاندید، در این سال و به دنبال طرح لایحه جدید قانون انتخابات و پس‌گرفتن آن از جانب دولت است. اسناد شماره ۱ تا ۷ نامه‌هایی است که موافقان حضور زنان در امر انتخابات به مجلس شورای ملی ارسال داشته‌اند،^۴ و اسناد شماره ۸ تا ۱۰ نامه‌های مخالفان این حضور می‌باشد.^۵ صرف‌نظر از ادبیات و دلایل هر دو سویه جدال، پایگاه اجتماعی و محل سکونت موافقان و مخالفان که در برخی اسناد نمایان می‌باشد، قابل تامل است.^۶

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، فعالیت‌های سیاسی زنان هم رو به افول نهاد. و تنها گروه‌های محدودی از زنان از جمله سازمان زنان طرفدار حقوق بشر، جمعیت راه نو و جمعیت زنان ایران به فعالیت‌های خود ادامه دادند.

اما هم‌زمان با این تحولات، در کشورهای دیگر زنان از آزادی‌هایی بهره‌مند می‌شدند. سند شماره ۱۱ و ضمیمه آن گزارش دکتر جلال عبده، نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد، به وزارت امور خارجه می‌باشد که به مجلس شورای ملی ارسال شده است. جلال عبده با اشاره به مطالعه تطبیقی سازمان ملل در خصوص توسعه حقوق اجتماعی و سیاسی زنان در کشورهای عضو و به دست آوردن حق رأی توسط زنان در ۷۰ کشور از جمله پاکستان، ترکیه، اتیوپی، گاتا، برمه، لبنان و لیبیا و ثبت نام ایران در کنار کشورهای چون افغانستان، یمن و اردن به عنوان کشورهای که زنان در آنها حق رأی ندارند، بر لزوم تغییر در قانون انتخابات تأکید می‌کند.^۷ در واقع با به وجود آمدن نوعی خرد جمعی و تغییر دیدگاه نسبت به حضور نیمی از

۱. خراسانی، همان، ص ۳۹۳.

۲. مذاکرات مجلس، دوره هفدهم، جلسه ۵۴، مورخ ۱۱ دی‌ماه ۱۳۳۱ خورشیدی، ص ۱۰.

۳. مذاکرات مجلس، دوره هفدهم، جلسه ۵۵، مورخ ۱۴ دی‌ماه ۱۳۳۱ خورشیدی، ص ۲.

۴. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ اسناد ۱ تا ۴، ۶ و ۷؛ دوره ۱۷، کارتن ۴۶، جزوه‌دان ۱/۱، پوشه ۲. و سند شماره ۵؛ دوره ۱۷، کارتن ۱۶۵، جزوه‌دان ۳۴/۱، پوشه ۱.

۵. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۷، کارتن ۴۶، جزوه‌دان ۱/۱، پوشه ۱۱.

۶. قابل ذکر است اسناد مربوط به مخالفان از تنوع کیفی بیشتری برخوردار بوده که به دلایلی از چاپ آنها خودداری شده است.

۷. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۹، کارتن ۴۹، جزوه‌دان ۱۱/۱، پوشه ۷. تصویر این سند به دلیل نوع کاغذ آن قابل چاپ نیست.

افراد جامعه در عرصه اجتماعی و سیاسی در سطح بین‌المللی در قرن بیستم، به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، باعث می‌شد که حاکمیت نتواند از ورود به عرصه حضور زنان در امر انتخابات سر باز زند.

در ۱۶ شهریور ۱۳۳۹ زنان با اجتماع در مقابل کاخ سنا خواستار حضور در انتخابات و کسب حق رأی گردیدند و با اصرار موفق به دیدار رئیس مجلس سنا، سناتور صدراالاشراف شدند. در این دیدار کسانی چون هاجر تربیت، بدرالملوک بامداد، صفیه فیروز حضور داشتند. پس از این ملاقات، رئیس مجلس سنا در قبال خواسته‌های این زنان گفت: شرکت خانم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی منع شرعی ندارد. اما باید مقتضیاتی وجود داشته باشد که فعلاً وجود ندارد.^۱ با گذشت زمان و گسترده‌تر شدن اعتراضات و فعالیت‌های زنان برای کسب حق رأی در یازده اسفند ۱۳۴۱ وزیر کشور با ارائه گزارشی به هیأت وزیران ضمن اشاره به قانون اساسی ۲۱ شعبان ۱۳۲۵ که در آن نوشته شده بود «هر یک از افراد و اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عمومی محق و سهیم می‌باشند و به موجب اصل دوم قانون اساسی مجلس شورای ملی، نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور سیاسی و معاش وطن خود مشارکت دارند.» بنابراین محروم ماندن زنان از شرکت در انتخابات مجوزی ندارد. لذا هیأت وزیران بند اول از ماده دهم و بند دوم از ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۳۳۹ هجری قمری که مربوط به شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان است و همچنین قید کلمه ذکور از ماده ششم و ماده نهم قانون انتخابات مجلس سنا مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ را حذف نموده و وزرات کشور را مکلف داشت پس از افتتاح مجلسین مجوز قانونی این تصویب‌نامه را تحصیل نماید.^۲ بدین ترتیب دولت واژه مرد را از ماده ششم و نهم قانون انتخابات به منظور هم‌سویی با روح مشروطه حذف نمود. تصویب این قانونی با واکنش شدید مخالفان همراه شد. اما در نهایت در ۳۱ شهریور ۱۳۴۲ انتخابات برگزار و زنان برای نخستین بار به عنوان رأی‌دهنده و کاندیدا در این انتخابات شرکت نموده، شش نماینده زن وارد بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی شده و دو نماینده زن نیز به مجلس چهارم سنا راه یافتند.^۳ مهرانگیز دولتشاهی، نخستین زنی بود که در تریبون مجلس شورای ملی جای گرفت و بیان داشت که با حضور نیمی از افراد جامعه در عرصه سیاسی و اجتماعی مشروطیت ایران کامل یافت.^۴

به تصویر کشیدن اسناد موافقان و مخالفان حق رأی زنان برای شرکت در انتخابات در سال ۱۳۳۱ در ادامه این نوشتار که شرح آنها پیش‌تر گذشت از این حیث اهمیت دارد که افراد و گروه‌های مختلف در جامعه تنها یک دهه پیش از به دست آوردن حق رأی توسط زنان، چه دیدگاه و واکنش‌هایی را نسبت به این مسئله ابراز نموده بودند.

۱. بدرالملوک بامداد، زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۰۸.

۲. بدرالملوک بامداد، همان، ص ۱۶.

۳. خراسانی، همان، ص ۴۲۱.

۴. مذاکرات مجلس، دوره بیست و یکم، جلسه ۲، مورخ ۲۳ مهر ۱۳۴۲ خورشیدی، ص ۳.

[سند شماره ۱: نامه اتحادیه پزشک‌یاران ایران به رئیس مجلس شورای ملی مبنی بر اعتراض به قانون جدید انتخابات و تقاضای به دست آوردن حق رأی زنان]

تاریخ: ۳۱/۱۰/۲۲

اتحادیه پزشک‌یاران ایران

شماره: ۱۷۲

ریاست محترم مجلس شورای ملی

اتحادیه پزشک‌یاران بدین وسیله علیه قانون جدید انتخابات دولت که نقض کننده قانون اساسی و قوانین بین‌المللی است، اعتراض نموده و از دولت می‌خواهد، زنان را در سرنوشت تعیین نمایندگان خود آزاد بگذارد.

بنابراین خواستار است که بند (۹) از قانون انتخابات که زنان را در ردیف مجانین قلمداد کرده، حذف شود.

[مهر: اتحادیه پزشک‌یاران ایران (۱ - پ - ۱)]

نشانی: تهران - خیابان پهلوی

[حاشیه پایین: بایگانی است، اقدام شود، ۱۳۳۱/۱۰/۲۵]

[مهر: ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی، شماره ۹۹۹۵، ساله ۲۵ / ۱۰ / ۱۳۳۱.



اتحادیه پزشک‌یاران ایران

تاریخ ۱۳۱۰/۱۲

شماره ۱۷۲

پوست
دوره شماره
۲۷۲۲۵

ریاست محترم مجلس شورای ملی
۱۷۹

استیذانیه پر کفیه‌داران به میز دسید عمیه تا نزن جدید انبارت
درست که نقص کنند تا نزن اسن و قرائنخ بین المللی است
اعراض نژده در از درست سیزده ز نژا در سر نژت و تسنخ
نماینگان فرد آزاد کرد
نیا بر این فرانس است که بند (۹) در نزن انبارت
که ز نژا در دین جهانخ بلکه کرده مدف فرد



دکتر سید علی حسینی
۱۳۱۰/۱۲/۱۵

مجلس شورای ملی
شماره ۹۹۹۴
تاریخ ۱۳۱۰/۱۲/۲۴

۵۵۵
۱۳۱۰/۱۲/۲۴

نشانی: تهران خیابان صحنی کوچه بلبلعی

۱

[سند شماره ۲: رونوشت نامه عده‌ای از ساکنین تهران به رئیس مجلس شورای ملی مبنی بر لغو قانون جدید انتخابات و تقاضای حقوق مساوی برای زنان با مردان]
۳۱/۱۰/۱۶

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران

رونوشت: جناب آقای آیت‌الله کاشانی، رئیس مجلس شورای ملی، رونوشت مجلس شورای ملی، رونوشت جهان زنان، رونوشت اطلاعات

قانون انتخابات جدید که در افکار عمومی گذاشته شده است مورد اعتراض ما امضاء کنندگان زیر می‌باشد. زیرا به زنان که طبق اعلامیه حقوق بشر و منشور ملل متحد، حقوق مساوی با مرد داده شده است، قانون فوق آن را نقض نموده و زنان را مانند بردگان و مجنونین از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم ساخته است ما از شما می‌خواهیم که این قانون را لغو و قانونی که حقوق زنان را محترم می‌شمارد به وجود بیاورید.

[امضاء ۳۵ نفر از جمله]: ۱- افسر دانش ۲- عباس دانش ۳- شاکری ۴- فرنگیس فولادی ۵- هاجر نادری ۶- فرنگیس صداقت کیش ۷- ویکتوریا فلسفی ۸- زکیه آشنایی ۹- شهربانو مشکین ۱۰- ابراهیم فولادی و

[حاشیه بالا]: اداره دبیرخانه ۳۱/۱۰/۲۵

[مهر:] ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی، شماره ۹۷۳۲، ساله ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۳۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

[سند شماره ۳: رونوشت نامه عده‌ای از ساکنین تهران به مجلس شورای ملی مبنی بر اعتراض به محرومیت زنان از حق رأی و انتخاب شدن در انتخابات و تقاضای لغو قانون جدید انتخابات]
۳۱/۱۰/۱۷

جناب آقای آیت‌الله کاشانی

رونوشت: آقای دکتر مصدق، رونوشت مجلس شورای ملی، رونوشت دیوان عالی کشور، رونوشت روزنامه جهان زنان، رونوشت باختر امروز

قانون انتخابات مجلس شورای ملی که برای اظهار نظر در افکار عمومی به مدت کمی (۱۵ روز) گذاشته شده است علاوه از این که عده کثیری از زنان ایران اطلاعی از آن ندارند، هیچ‌کس را از انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم کرده است. طبق اعلامیه حقوق بشر و منشور ملل متحد که دولت ایران نیز عضو آن سازمان است و تساوی حقوق زنان را با مرد به رسمیت شناخته است.

در صورتی که قانون فوق نقض اعلامیه حقوق بشر می‌باشد. ما امضاءکنندگان نسبت به این قانون ضد انسانی و اهانت نابخشودنی نسبت به جامعه زنان که در ردیف جنایت‌کاران و دیوانگان در قانون مزبور گذاشته شده است، اعتراض نموده و لغو قانون فوق و به وجود آوردن قانونی که حقوق زن را با مرد عملاً محترم می‌شمارد جداً از شما خواستاریم.

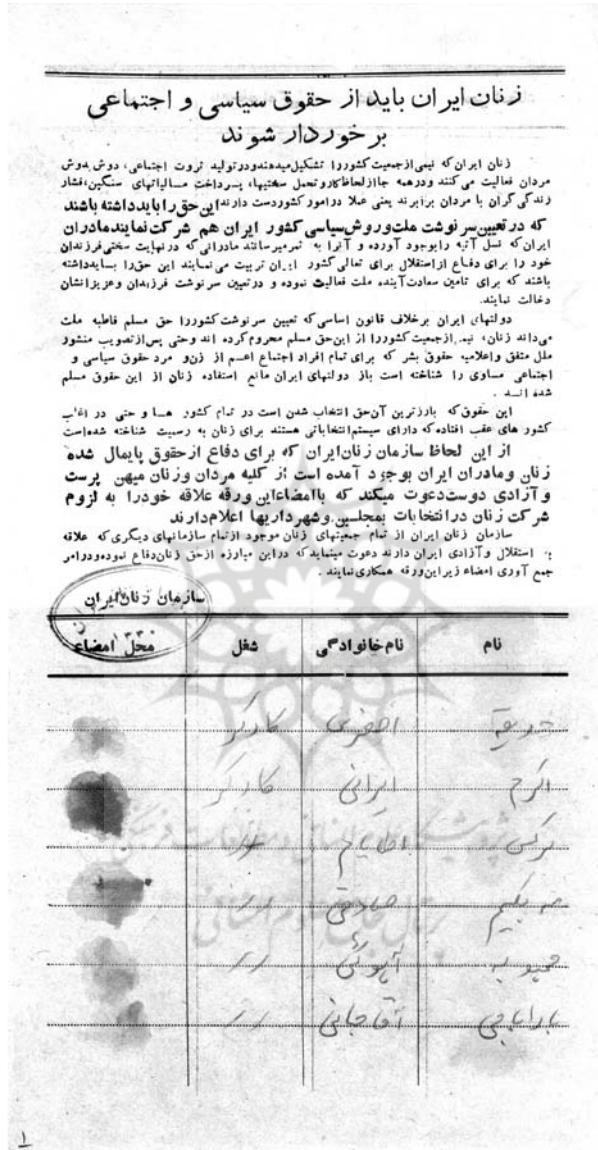
[امضاء ۶۹ نفر از جمله: ۱- احمد صادقی ۲- بانو منیرنژاد نوایی ۳- بانو هما تاج ریاضی ۴- بانو محترم عزیزی ۵- منصور دلخوش ۶- عوسی اسلامی ۷- محبوبه ریاضی ۸- علی‌اکبر شیخ‌پور ۹- عمران ضربتی ۱۰- عباس خادم‌لو ...]

[حاشیه بالا: اداره دبیرخانه ۳۱/۱۰/۲۱]

[مهر: ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی، شماره ۹۷۳۴، ساله ۱۳۳۱/۱۰/۲۱]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

[سند شماره ۵: نمونه‌ای از جمع‌آوری امضاء توسط سازمان زنان ایران از افراد موافق لزوم شرکت زنان در انتخابات و برخورداری از حقوق مساوی با مردان]^۱



۱. از این نمونه سند در پوشهٔ مزبور بیش از ۳۵۰ برگه بود که در مجموعه سازمان زنان ایران بیش از ۲۰۰۰ امضاء جمع و به مجلس ارسال داشتند.

[سند شماره ۶: رونوشت نامه سازمان زنان ایران به مجلس شورای ملی مبنی بر اظهاراتی در خصوص فعالیت زنان در سال‌های متمادی در عرصه سیاسی کشور، اعتراض به محرومیت زنان در لایحه قانون انتخابات از سوی دولت و تقاضای اصلاح آن]

جناب آقای دکتر مصدق، نخست وزیر

رونوشت مجلس شورای ملی

چند روزی است که متن لایحه انتخابات برای اطلاع و اظهار نظر افراد کشور انتشار یافته و در دسترس همگان گذارده شده است. زنان و مردان کشور ما متن این لایحه را خوانده‌اند و این که شما در این لایحه زنان را در ردیف دیوانگان قرار داده و از حق شرکت در انتخابات محروم کرده‌اید موج اعتراض مردم را برانگیخته‌اید.

قانون اساسی کشور ما برای قاطبه اهالی که از جمله زنان را نیز شامل می‌شود حق دخالت در سرنوشت خود را قائل شده است، منشور ملل متفق و اعلامیه جهانی حقوق بشر که دولت ایران رسماً الحاق خود را آنها اعلام داشته است با صراحت هر چه تمام‌تر برای زنان حق شرکت در انتخاب را اعلام نموده است. معهدنا شما قانون اساسی، منشور ملل متفق و اعلامیه جهانی حقوق بشر را پایمال کرده و زنان را از این حق مسلم و قانونی خود محروم نموده‌اید.

این عمل شما دو مفهوم دارد: اول این که نشان می‌دهد دولت شما مانند دولت‌های پیشین با پایمال کردن حقوقی که در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر برای افراد کشور ما منظور شده است در جهت ضد ملت قدم برمی‌دارید.

دوم این که می‌رساند شخص شما برای زنان هیچ گونه ارزش و شخصیتی قائل نیستید. عمل شما مفهومی است که زنان را فاقد حق تمیز و شعور اجتماعی می‌داند و برای آنان وظیفه‌ای جز خانه‌داری و بچه‌داری نمی‌شناسید. گویا شما فراموش کرده‌اید که زنان نیمی از سکنه کشور ما را تشکیل می‌دهند. نیمی که اکنون در تمام شئون اجتماعی مشغول فعالیت است در کارخانه‌ها کار می‌نماید و در مزارع و دهات زحمت می‌کشند و در تولید کشاورزی نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفاء می‌کند. در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها تعلیم می‌دهد و در ادارات انجام وظیفه می‌نمایند. گویا فراموش کرده‌اید که علی‌رغم تمام تغییرات و محدودیت‌ها زنان همواره سرمشق‌های جالب توجهی در مبارزه به خاطر آزادی و استقلال ملی بوده‌اند.

در سالیان قبل از مشروطیت در جنبش تنباکو که یک جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی بوده، شرکت کردند. در جریان انقلاب مشروطیت در مبارزات مسلحانه، تظاهرات و میتینگ‌ها و اجتماعات سیاسی شرکت کردند. با مجاهدین مشروطیت هم‌کاری و هم‌دردی نمودند. علیه جنایتکاران مبارزه کردند و هنگامی که مسئله ایجاد بانک ملی در پیش بود از بذل مال به هیچ‌وجه دریغ نمودند.

زنان ایران چنان رشادت‌به خرج دادند که شوستر آمریکایی در کتاب تاریخ ایران نوشت: عزت زنان نقاب‌پوش ایران پاینده باد.

ارج و اهمیت این مبارزات به ویژه در این است که در دورانی انجام گرفته که زنان... [ناخوانا] ایران در عقب‌ماندگی فوق‌العاده به سر می‌بردند. بنابراین می‌توان نقش زنان را در سال‌های اخیر که نهضت‌های آزادی‌بخش ملت، برای پاره کردن زنجیرهای اسارت اوج گرفته است تصور نمود. در همه جا همگام با مردان در مبارزات شرکت کرده‌اند و از خود قهرمانی‌ها نشان داده و به خاطر مبارزه مقدس ضد استعماری قربانی داداند.

شرکت زنان در اعتصاب فروردین ماه ۱۳۳۰ در آبادان علیه توطئه شرکت سابق نفت ایران و انگلیس به منظور مداخله نظامی در امور ایران بهترین شاهد این امر است.

زنان محروم آبادان برای شکستن محاصرهٔ تانک‌ها از بذل جان دریغ نمودند، زنان بندر... [ناخوانا] توطئه دیگر استعمارگران را با فداکاری بی‌نظیری نقش بر آب کردند. زنان همه جا در تظاهرات و مبارزات به خاطر ملی کردن صنعت نفت ایران در صفوف اول جای داشتند و با بیداری و آگاهی قابل ملاحظه‌ای علیه نقشه‌های جدید استعمار خارجی قیام نمودند. شرکت زنان در تظاهرات ۲۳ تیر و قیام ۳۰ تیر مردم ایران بهترین نمونهٔ بیداری زنان ایران می‌باشد، زنان ایران در همهٔ این موارد رشد و آگاهی سیاسی خود را به ثبوت رسانده‌اند و در همه جا مبارزه به خاطر استقلال ملی را وابسته به مبارزه برای حقوق خود دانسته‌اند.

اعتراضات متعدد و اقدامات وسیع آنان در این هفته برای یکی از اساسی‌ترین حقوق خویش بهترین گواه این واقعیت می‌باشد.

ولی شما همهٔ این مبارزات زنان را نادیده گرفته‌اید و آنان را تا سر حد دیوانگان تنزل داده‌اید. ما به نام تمام زنان و مادران ایرانی علیه این عمل دولت که هیچ مبنای قانونی ندارد و اهانت بزرگی نسبت به تمام زنان ایران می‌باشد اعتراض نموده از شما می‌خواهیم که در اسرع وقت این ماده قانون را تغییر داده مطابق قوانین بین‌المللی و قانون اساسی ایران برای کلیه زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را منظور دارید. این خواست کلیه زنان ایرانی است و مورد پشتیبانی عموم مردم ایران می‌باشد.

سازمان زنان ایران

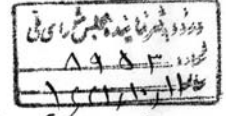
[مهر: سازمان زنان ایران. ۱۳۳۰]

[امضاء: هوشمند زاد]

۲-۵
۱۴۹

(۷)

لهدره خورشید
۱۳۱۰۱۰۳۱



جناب آقای وزیر تصدق نمت وزیر
وزارت معیش سوزار ایران

چند روز است که سن لایحه انتخابات برای اطلاع و اظهار نظر از ادوگراشت رایحه دورتر میجان که داده است
زنان و مردان کشور ما سن این لایحه را خوانده اند و اینکه سواد این لایحه زنان را در ردیف در اطلاع قرار داده و از حق شرکت
در انتخابات محروم کرده اند و این موضوع را بر این مکتوبه ایست
تا زین اساسی کشور ما بر تاقیه الهی که از جمله زنان را اینست بر سر حقوق و عدالت در تعیین سرزست خودشان
سه است.

۵۹۴
۱۰/۶۰

ننگر مصلحت و اطلاعیه جهان حقوق که دولت ایران رسنا الهی حق را برودن آنها اسلام دارست است با صامت
بریه تا بر زنان حق شرکت در انتخابات سال اسلام نموده است و میباید اسما تا زین اساس، ننگر مصلحت و اطلاعیه
جهان حقوق که با اعمال کرده و زنان را از این حق مسلم که از این حق محروم نموده اند
این عمر میوه و معجزه دارد و اول اینکه شان بید دولت سمانه و وقتها چون با با بال کردن حقوق که در قانون است
و اطلاعیه حقوق که بر بار از ادوگرا ما نظر شده است و جهت ضمنت قدم بر میدارند
دوم اینکه میسند سمنه بر زنان بیگانه از بر و شخصیتش تا ترخیصتید عمر سمانه سمنه است که زنار از فاند قوه ترمو
سوزارهایی میداند و از زنان و طبعه از فانداری و بیگانه میشناسید که با سمانه زان که از سمنه که در اکثر
میدهند نمی که اکثریت در تمام سگون اتمای تشکیل انتخابات است در کارخانه کار سمانه در مزاج و دولت زحمت میکند
و در ترکیه و در زنتش تا بر ملاحظه از ارفیاء میکند در دستارها و دبیرستانها تعلیم میدهند و در ادارات انجام وظیفه نمایند
گرایز امور کرده اند که حکم تمام قضایات و محمد و دستار زنان بهراره سر ستمهای جانب ترهیب در بارزه بی فر
آزاد و استقلال ملی نموده اند.

در سالیان قبل از سر ولایت در جنبه سنا که یک جنبه هند استعماری و ضد استبداد بود شرکت کردند.
در جریان انقلاب بر ولایت و در مبارزات سمانه انقلابات و ستمها و اقبانات سیاسی شرکت کردند.
با ما بدین سر ولایت ستماری و سمد روی نموده علیه حیات ستمکاران مبارزه کردند و ستمها را شکست دادند و با ما بدین سر ولایت
از قبل با ما بدین سر ولایت ستماری و سمد روی نموده.
زنان ایران حیوان رسد و بیخ دادند که سر ستمکاران در کتاب تاریخ ایران زنتست:
عزت زنان نقاب پرس ایران باینه با و.

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۰، ۲، ش ۸ / تابستان ۱۳۸۹

اربع و اهمیت این مبارزات بریزه در اینکه در دوران اینام گرفته که زنان محاب پر ایران در صفت مانده نوق العالی
بر میروند بنا بر این ستیزان نصرت زنان را در سالها اخیر که هفت آژاد زینت است ما را چه کرده زینت است اوست اوه
گرفته است قهر نرود.

در همه جا حکام با مردان در مبارزات شرکت کرده اند و از حقوق ما میمانند داده و بنا بر مبارزه مقدس هند استقامت
تر این داده اند.

شرکت زنان در انصاف ضروری است. ۱۳۳۰ در آبدان علیه ترکت سبقت گرفت ایران و انگلیس بنظر بر
نظم و در امور ایران بهترین است به این ابراست.

زنان مردم آبدان برار گشتن حاضره تا که از بدل جان دریغ نموده زنان سبز رنگه دیگر استوار را با بدگویی
بر نظیر نقی بر آب گزند زنان همه جا در نظر ابراست و مبارزات بنا بر عمل کردن صفت لغت ایران در صفت اول
جای داشته اند و بیار و آگاهی تا بر ملاحظه ان علیه نقشه؟ صدمه استقامت خارجی قیام نموده اند.

شرکت زنان در نظر ابراست ۴۳ تیر و قیام ۳۴ تیر مردم ایران بهترین نموده بیار زنان ایران بسیارند.
زنان ایران در همه این موارد در آگاهی سیاسی خود را به صورت رسانده اند و در همه جا بارزها بر استعلام
ملی را در اولت مبارزه بر حقوق خود دانسته اند.

اقتراحات سعه دو اده است وسیع آنان در این هفته برار گشتن ملی از احساسی ترین حقوق طلبترین گروه
این واقعیت میباشد.

ولی شما همه این مبارزات زنان را ندیده گرفته اید و آنرا تا مرصه در دیوانگان منزل داده اید.

ما بنام تمام زنان و مردان ایران علیه اسفند دولت که هیچ بنا بر قانون نداد و است بزرگ نسبت تمام زنان

ایران و نمای مردم این سرزمین میباشد اقترا منر گفته از شما میزنم که در کس وقت این داده قانون را تغییر داده

مطابق تر این بین المللی و قانون اس می ایران برابر کلیه زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ما منظور داریم این
خواست کلیه زنان ایران است و مورد پشتیبانی مردم ایران میباشد

سازمان زنان ایران
سازمان زنان ایران
۱۳۳۰
تاسیستان

پیام بهارستان / ش. ۲، س. ۲، ۸ / تابستان ۱۳۸۹

[سند شماره ۷: نامه دانشجویان حقوق دانشگاه تهران به رئیس مجلس شورای ملی مبنی بر اعتراض به پس گرفتن لایحه حق رأی زنان و ارائه لایحه ارتجاعی از سوی دولت وقت]

ریاست محترم مجلس شورای ملی

شرکت در تعیین سرنوشت هر کشور، مختص یک‌دسته به خصوص نیست، بلکه وظیفه اساسی هر یک از افراد می‌باشد. زیرا هر یک از افراد کشور خود دارای سهمی مؤثر می‌باشند. هر دولت ملی وظیفه دارد کلیه امکانات و شرایط را برای مردم سرزمین خود به وجود آورد تا بتواند به نحو اکمل از این حق خود استفاده نماید. در واقع ملی بودن هر دولت را می‌توان از روی این امر سنجید. لایحه جدید قانون انتخابات، قانونی غیرملی و ارتجاعی است. این قانون حاوی حداکثر شرایطی است که در قرن بیستم، بتوان برای جلوگیری از شرکت مردم در تعیین سرنوشت خود به وجود آورد. ما [از] ضد نقیض‌های این قانون [از جمله: حق] مخفی و غیرمخفی رأی، جلوگیری از شرکت بی‌سوادان شهرها در انتخاب کردن، و یا جانبداری کامل هیئت نظار و کسانی که در امر انتخابات کمال بی‌طرفی داشته باشند، می‌گذریم و این امر اساسی را پیش می‌کشیم که این قانون نیمی از مردم ایران یعنی زنان را در ردیف مهجورین و کسانی که به وسیله بی‌شمانه امرار معاش می‌کنند از تعیین حق سرنوشت خود محروم نموده است. این توهینی است بزرگ به تمام مردم ایران. در حالی که قانون اساسی ایران، اعلامیه جهانی حقوق بشر [و] منشور ملل متحد تساوی حقوق زن و مرد را اعلام داشته‌اند. تصویب قانون جدید انتخابات و تحریم زنان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، غیر از حق کثی نمی‌تواند اسم دیگری داشته باشد. ما امضاء کنندگان زیر از وکلای مجلس و دولت وقت، مسراً خواستاریم حقوقی را که قانون اساسی ایران، منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر به زنان داده‌اند، محترم شمرده و زنان را در تعیین سرنوشت خودشان آزاد بگذارید.

[امضاء ۳۵ نفر از دانشجویان حقوق دانشگاه تهران]

[مهر:] ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی، شماره ۸۶۹۷، ساله ۱۰/۷ / ۱۳۳۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۳۴۲
۱۴
بیت قلم مجلس شورای ملی

گفت در تعیین سرزوت پرستور شخصی بکلیت مخصص نیست بلکه وظیفه رسائی پرستور از افراد کشور بیاستد زیرا پرستور از افراد کشور می‌تواند
و از این سبب نیز بیاستد هر دولت ملی وظیفه دارد بکل اعطای آن وظایف را برای سرکار سرتیم خود بچورد آورد تا بتواند بجوای کل زمین حق خود
استند به در واقع ملی بودن پرستور را استیذان از روی این فرض است که باید قانون جدید انتخابات قانون غیر ملی در انتخابات این قانون سازی
حدود وظایف است که در قرن بیستم جهان برای جلوگیری از ترس از سرکار در تعیین سرزوت کشور خود وجود دارد و مانند بعضی غیر متعدد این
این قانون وقتی غیر مللی است چگونه از ترس می‌تواند سرکار در انتخاب کردن و با جانبداری کامل بیعت قطره که در امور انتخابات کمال
بیطرف داشته باشد سکونیم و این بر روی کار پیش می‌کیم که این قانون نمی‌تواند از ایران یعنی زنان را در تعیین مجبور کند که بیاید یا نه بلکه
دو اصل است نسبت از حق تعیین سرزوت خود محروم نموده است این قوانین است بزرگ چهار اصل است در حالیکه قانون رسائی ایران اعلامیه
جهانی حقوق بشر مشمول می‌شود تا به حقوق زن در در اصل اعلامیه است که نصیب قانون جدید انتخابات و تمام زنان از حق انتخاب است
و انتخاب شدن نیز از حق نمی‌تواند محروم باشد اما اضافه کنیم زیر از اعلامیه مجلس و از دولت وقت سزا خود است -
موقوف را که قانون رسائی ایران مشمول می‌شود اعلامیه جهانی حقوق بشر زنان داده اند ترمیم شده و زنان را در تعیین سرزوت
خودشان آزادانه قرار می‌دهد

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
شماره ۸۹۹
تاریخ ۱۳۴۲/۱۰/۲۷

[سند شماره ۸: مخالفت بیش از دویست نفر از اهالی تهران با شرکت زنان در امر انتخابات به عنوان رأی دهنده یا منتخب]

حضرت آیت‌الله کاشانی و جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب ملی ایران
رونوشت نمایندگان محترم مسلمان مجلس شورای ملی، رونوشت جناب آقای سیدشمس‌الدین
قنات‌آبادی، نماینده محترم مجلس شورای ملی

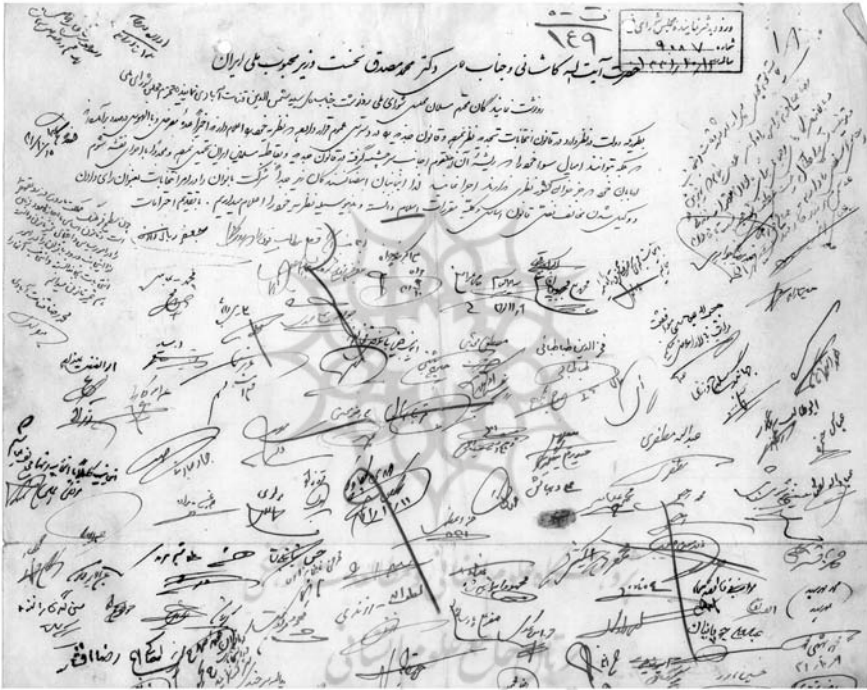
به طوری که دولت در نظر دارد در قانون انتخابات تجدید نظر نموده و قانون جدید را در دسترس عموم
قرار داده، نظریه خود را اعلام دارند. اخیراً عده مقرض و با الهوسی در صدد آن برآمده‌اند بلکه بتوانند امیال
سوء خود را که ریشه آن از حلقوم اجانب سرچشمه گرفته در قانون جدید و به قاطبه مسلمین ایران تحمیل
نموده و مجدداً با اجرای نقشه شوم اربابان خود که جز خرابی کشور نظری ندارند، اجرا نمایند. لذا اینجانبان
امضاء کنندگان زیر جداً شرکت بانوان را در امر انتخابات به عنوان رأی دادن و وکیل شدن مخالف نص قانون
اساسی و کلیه مقررات اسلام دانسته و بدینوسیله نظریه خود را اعلام می‌داریم. با تقدیم احترامات

[حاشیه پایین چپ:] چون سطح فرهنگ مملکت ما روز به روز رو به قهقهرا است و قانون اساسی ما
اجازه ورود زنان را در امور سیاسی و اجتماعی غیرقانونی دانسته، لذا اینجانب ورود بانوان را در امر انتخابات
به جا ندانسته و انتخاب آنها را هم غیرقانونی می‌دانم. محمدرضا قنات‌آبادی

[حاشیه پایین راست:] ریاست محترم مجلس، پس از امر تشریفات، اینجانب رضا صالح... [ناخوانا] را
کزاین عرض می‌نمایم، بهترین و بالاترین کارهای اجتماعی برای بانوان زندگی و تربیت کردن اطفال است.
عطف توجه به قانون اساسی اسلامی را دارم.

[امضاء بیش از ۲۰۰ نفر در زهر ورقه است که به دلیل ابعاد سند تنها یک‌سوم آن در تصویر سند به
چاپ رسیده است.]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



[سند شماره ۹: نامه نیره فروزان به رئیس مجلس شورای ملی در مخالفت با شرکت زنان در انتخابات و بیان اظهاراتی در خصوص تبعات سوء حضور زنان در سیاست از دیدگاه وی]
ریاست محترم مجلس شورای ملی

می‌خواستم بوسیله این چند سطر مزاحم و کلای محترم مجلس شورای ملی بشوم در این روزها که راجع به حقوق بانوان زیاد صحبت است و ایشان اسرار [اصرار] کاملی دارند که حق داشته باشند در انتخابات شرکت کنند، بنده که یک نفر زنی هستم (نه زیاد متجدد و امروزه و نه زیاد قدیمی و پای بند خرافات) بعقیده بنده هیچ صلاح نیست با وضع فعلی مملکت زن در انتخابات شرکت کند، زیرا در مملکت ما بیشتر خواتین محترمه بسیار از خود راضی و پای بند شهوات تن... بوده، ممکن نیست بتوانند بی‌غرض و بدون نظر در انتخابات شخصی لایق و شایسته شرکت کنند که از هر جهت مفید برای مملکت باشد، بلکه تابع میل و رغبت هوای نفس خود گشته غالباً اشخاص جوان و وجیه را انتخاب کرده و یا به فکر خودشان کسانی را در نظر می‌گیرند که به حال جامعه مضر بوده و یا ایادی خارجی باشند. هیچ‌وقت شخصی صالح و خادم به مملکت را مثل آقای کاشانی و امثالهم را انتخاب نخواهند کرد. بلکه بیشتر امثال مهندس والا و غیره را در نظر خواهند داشت. آن وقت در مملکتی که در دادن رای مردها (فقط) آن قدر خیانت و جنایت و آراء حقه‌بازی که غالباً باعث ناراحتی عده کثیری شده و مثل قتل آقای کوثر و آقای اشتری بازرگ پیش می‌آید اگر زن شرکت کند، این قبیل فجایع مضاعف شده بی‌نظمی و بی‌ترتیبی سراسر کشور را گرفته مملکت به کلی متشنج خواهد شد و این امر صددرصد بر ضرر دولت و ملت تمام می‌شود. زمانی می‌شود این حق را به بانوان داد که وضع کشور ما کاملاً از هر جهت منظم و مرتب بوده و زندهای متدین و بی‌نظر زیاد داشته باشیم آن وقت مملکت در انتخابات اشخاص صالح و لایق قدم بردارند و پیشآمدهای سوئی هم رخ ندهد. نیره فروزان

[حاشیه بالا]: اداره دبیرخانه ۳۱/۱۰/۲۰ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱۵۹

دوره پنجم
شماره ۲۰

انتخاب کسبه و بافندگان زن را در نظر بگیرید تا هم مجال
حاضر حضور بدهد و یا اید خارج باشند میبایست گفتنی صالح و خاد
بمکتب را مثل آن کارکنان و دانشمندان را انتخاب نکرده اند که
علیه سیرت اسامی منکره و بالا و غیره را در نظر خواهند داشت
آنوقت در هنگام برودادن رأی سردار (نقطه) انقدر خجاست
و خجاست و آرا و عقده بزرگی خالی با عفت، از بعضی ممالک غیره
شده و مثل تهلران که در آنجا اکثری بزرگسالی همین است
از زنی شرکت کنند این اسمی جمیع مصاحف کسبه و نظریه
تعمیری سواد کسبه را در وقت صلت کمال ترش خواجه که در این
در صدد بر ضرورت است دولت تمام میگویند زانی میگویند که
رایبا توان را در وضع کسبه را که از آنهم چشمه و در وقت هم
زبان سخن و نظریه دادند با شکر کسبه و دولت در این باب
۲۷ انکسار صالح و اولای نوم بردارند و برش نوبی کوئی نماند از

روایت کسبه و بافندگان زن را در نظر بگیرید تا هم مجال
حاضر حضور بدهد و یا اید خارج باشند میبایست گفتنی صالح و خاد
بمکتب را مثل آن کارکنان و دانشمندان را انتخاب نکرده اند که
علیه سیرت اسامی منکره و بالا و غیره را در نظر خواهند داشت
آنوقت در هنگام برودادن رأی سردار (نقطه) انقدر خجاست
و خجاست و آرا و عقده بزرگی خالی با عفت، از بعضی ممالک غیره
شده و مثل تهلران که در آنجا اکثری بزرگسالی همین است
از زنی شرکت کنند این اسمی جمیع مصاحف کسبه و نظریه
تعمیری سواد کسبه را در وقت صلت کمال ترش خواجه که در این
در صدد بر ضرورت است دولت تمام میگویند زانی میگویند که
رایبا توان را در وضع کسبه را که از آنهم چشمه و در وقت هم
زبان سخن و نظریه دادند با شکر کسبه و دولت در این باب
۲۷ انکسار صالح و اولای نوم بردارند و برش نوبی کوئی نماند از

[سند شماره ۱۰: نامه پانزده نفر به نمایندگان مجلس شورای ملی در مخالفت با حق رأی زنان و اظهاراتی در خصوص وظایف زنان در اجتماع از دیدگاه آنان]

هوالعزیز

هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون (آیا دانایان با اشخاص نادان مساویند)

اما اول بدانیم که علم دانستن، تنها به نوشتن در روی صفحه کاغذ و خواندن خطوط سیاه است [نیست] چه بسا کسانی که جملاتی بنویسند در ظاهر بسیار مرتب و حال آنکه نویسنده معانی آن را درک ننموده است. چه بسا اشخاص بی سواد که در رأس جمعی تحصیل کرده و با سواد قرار گرفته به نیروی عقل از وجود آنان استفاده‌های مادی می‌نمایند. یا اینکه در رأس دوائر اجتماعات و موجد نهضت‌های عظیم گردیده گاهی هم در رأس ارتش و رأس کشوری قرار داشته‌اند این معنی در میان افراد تحصیل کرده هم تأیید می‌شود. مثلاً دانش آموز دبیرستانی ممکن است رشته معلوماتش از افراد برجسته دانشگاه وسیع‌تر باشد. بسا دبیران و آموزگاران که از شاگردان کسب تکلیف کرده و می‌کنند. شما اگر با اشخاص مسن و کسانی که در زمان اوایل مشروطه ناظر جریان و تحولات ایران بوده‌اند برخورد داشته باشید می‌بینید که اکثراً آنها فاقد سواد بوده و اطلاعاتی که از آنها کسب می‌نمایید در کتاب هیچ تاریخ‌نویس نخوانده‌اید. و در میان افراد بی سواد کسانی هستند که حتی علم به موجودیت خود نداشته معانی سعادت و زندگی را نمی‌دانند، این اشخاص در طبقه با سواد بسیار یافت شده است. پس دانسته می‌شود که موضوع علم به سواد نوشتن و خواندن نیست و اگر کسی تنها بتواند نام خود یا و کیلش را در کاغذ بنویسد عالم نبوده و عالم آن است که لااقل علم به خود داشته برای سعادت و زندگانی خود پیرو برنامه صحیح باشد.

اما موضوع اسیری و شام رفتن حضرت زینب (که اشخاص بی‌خبر متوسل به آن شده‌اند) وقتی بود که از خاندان رسالت خبر علی ابن الحسین (ع) که آن حضرت هم در بستر بیماری و هم غل و زنجیر در گردن داشتند، مردی نبود که غافله سالار آنان باشد فلذا حضرت زینب علیها السلام را اجباراً تعیین و در مجالس بزم مخالفین حاضر نمودند. آنجناب هم چاره‌ای جز اظهار ستم و مشققاتی که بر ایشان روا داشتند ندیده، شروع به معرفی اجداد خود و بزرگواری حضرت ابا عبدالله فرمودند. اما هیچ‌گاه اسلام مخالف علم نسوان نبوده بلکه کراراً تأکید بر آموختن و فراگرفتن علوم شرعیه نموده است. چنانکه زنهای مجتهده هم اکنون بسیارند. ولی موضوع وکالت غیر از علم است. موضوع وکالت فداکاری و در دست گرفتن رشته امور جامعه می‌باشد. وکالت بستگی به حیات افراد کشور داشته بسا افکار بلند و روح شجاع می‌باید تا این وظیفه خطیر را انجام دهد. نماینده ملت باید شخصی باشد که با یک دوره انتخابات دو ساله با قدمهای موثر خود دو سال عمر کشوری را به بیهودگی تلف نکند...^۲ این زنهای کشور ما که حتی در پوشیدن کفش و کلاه مقلد بیگانه بوده و هر روز چشم به سرحدات ایران دوخته منتظرند که برای آنها مد تازهای برسد... چطور می‌توانند

۱. ابتدا «نیست» بوده و سپس خط زده شده و «است» نوشته شده است اما با توجه به مفهوم جمله «نیست» صحیح است.

۲. نقطه چین از خود سند است.

اجتماعی را به عقل مستقل خود اداره نموده افکارشان با سرنوشت کشوری بستگی داشته باشد. این بانوان که حتی در اعلامیه های خود روش ممالک خارجی را بر رخ ما می کشند که فلان مملکت این طور و فلان جا این طور است چگونه ممکن است که بر خانواده اجتماع ما مادری یا پدري کنند. نمایندگان محترم مجلس شورای ملی اگر می خواهید برای مادران و خواهران کشور حقوقی تعیین نمایید دین حنیف اسلام بزرگترین قانون دفاعی از حقوق آنهاست. بگذارید آنان بر تربیت و تشکیل نسل اجتماع که بزرگترین فداکاری است مشغول باشند و از این موجود حساس و ضعیف تکلیفی که از وجودش ساخته نیست توقع نداشته باشید. همین مفاسد آنان در دوائر دولتی کافیتست. مگذارید که خانه امید ملت مجلس شوخی و مجلس شرح سرگذشت خانوادگی گردد و عمر کوتاه هر مجلس که بیش از سه یا چهار ساعت نیست به بیهودگی برگزار شود.

ما ملت مسلمان هرگز انتظار چنین روزی نداشتیم، وگرنه به جای تحمل مشقات و ستمهایی که در نگهداری صندوق انتخابات متحمل شدیم هر یک با پاره سنگی به این خانه امید... حمله نموده آن را با خاک یکسان میکردیم و عیناً برنامه خدای جان آفرین را به مرحله اجرا می گذاشتیم.

ماهی را هر وقت از آب بگیریم تازه است. حالا هم چنین است، اگر ببینیم کشور ما ایران، این مهد پرورش شیرزادگان بیشه اسلام، دستخوش امیال مشتی هوسران و خودخواه گشته و عنقریب منویات و ملیت ما در معرض خطر قرار دارد دست به اقدامات عاجل زده به یاری خدای توانا آن وقت است که به عمر جنایات خاتمه داده سعادت خود را در لوای پرچم مقدس اسلام عزیز محفوظ داریم.

[حاشیه، بالای صفحه دوم سند با خط کاتب:] (مقام ریاست مجلس شورای ملی کسانی که جنین خود را سقط می نمایند شایسته سرپرستی اجتماع نمیشوند)

[امضاء ۱۵ نفر:] مراتب فوق رویت، تصدیق گفتار... [ناخوانا] شد. محمدعلی علوی؛ محمود قهرمانی؛ غلامعلی دانشسور؛ مهدی نامی؛ حسین رضوی؛ غلامعلی ایزدی؛ محمد حسین ابهری؛ علی دلو؛ اسنعیل نادری کارگر؛ نعمت الله اربابی؛ اکبر اسمعیلی؛ رضا نوروزی؛ حبیب الله؛ علی قهرمانی؛ محمدعلی شیرازی. [مهر:] ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی، شماره ۹۲۱۵، ساله ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۳۱

[سند شماره ۱۱؛ نامه وزارت امور خارجه به مجلس شورای ملی در خصوص ارسال گزارش دکتر جلال

۱. نقطه چین از خود سند است.

ص ۲

هو العزیز

۱۲ اردیبهشت

هَلْ سَيَتَوَى الَّذِينَ يَبْعَثُونَ وَالَّذِينَ لَا يَبْعَثُونَ (۲، دامادان، باطنی، نه مساوی)

اما اول به اینم فکر کنم . دانستن تنها به نوشتن در روی صفحه گفته و خواندن فقط با سیاه خط است

پدرباک آنکه به اینگونه در ظاهر بسیار نازیب و حال آنکه نویسنده معاذرت آنرا درک ننموده است . چه با اینهمه هم برآورد که در این صحنه
تخصیص داده و برآوردگار گرفته بزرگ است و چون این استفاده بی ادبی خواننده . یا که در این دو آیه آیه ها در مورد حضرت امی مکتوم کرده
گاه هم در رأس اکتس و رأس کمزوری قرار داده اند این معنی در سایر آیه ها تخصص داده هم تأیید بشود . مثلاً دانش آموز در سبب سخن است برشته
معلوم تر از آنرا در هر چه دانش و وسیع تر باشد . میادیران و کمزور کاران را از نشاندن آن سبب تکلیف کرده و سینه به آنگاه با اینهمه سخن است
در زمانه ما که با نظر بر این و تحولات این ابراهیم اندر خود داشته باشد می بیند که اگر آن نامه سواد علم و اطلاع را از آنجا که میماند در کتاب
یا هیچ تأیید نویسنده خوانده ایم . و در این امر از بی برادگی نشسته که در این علم موجود است بخود نازیده معاصد و زنگی زانده اند . این است همان که در سینه
با سواد بسیار یافتند است . پس دانشی که در مکتوب علم برآورد نوشتن و خواندن نیست . و اگر کسی تنها با نامه آفرود و کلیش را در گفته باشد
عالم نبرد . و عالم آنست که با عقل علم بود و در دانش برآورد سعادتی که خود پیر و برنامو صبیح باشد

اما مکتوب آنکه در سبب حضرت زینب (و این خاص بی نیز برآورد آن شده اند) و حق بود که از خانه آن رساله غیر علی بن الحسین که آنحضرت هم
در سبب ساریک و هم علی در نیز برآورد آن دانسته . مرد که نبود که سواد آن را در غله آنحضرت زینب علیها السلام را اجبار تعیین و در این هم مخالفین
عاصم بودند . آنچه به هم چاره کار هر طرفی که برایشان روا داشته اند به مکتوب و مکتوبی اجود فرود و نیز گفادی حضرت با عبدالله فرمودند .
اما هیچگاه اسلام مخالف علم انسان نبوده بلکه اگر آنگاه به آموزش در آن مکتوب است و سواد آنکه در سینه است . چنانکه در کتابی معتبره هم اکنون بسیارند .
و که مکتوب و کلام علی علم است مکتوب و کلامت مذکور که در دست گرفتن رشته امور جامعه میاید . و کلامت سبب است آنرا که در نوشته
بسیار آنکار به روح شیخ عیاضی نماند و البته خط را العیاضی دهده نمائید . مکتوب باید شخصی باشد که با یک دوره انتمی است و سواد با همه ها
مورث خود دوسال عمر که در راه سواد کتب کند . . . این زنها که کمتر ما که حتی در پوشیدن کفش و کلاه متذکر میاید و در روز چهارم
سر قدرت این آدوخته متظرند که برای آنها نمائند تا آنکه اگر برسد . . . چنانکه در سینه است اینها را با عقل مستقل خود اداره نمودند و آنکارها با سر قدرت که در
سینه داشته باشد

۴۴

پیام بهارستان / د. س. ۲، ش. ۸ / تابستان ۱۳۸۹

۱۳۴۹ بانوان که حتی در اعلامیه‌های خود روش ممالک خارجی را بر رخ مایلند در آن مملکت اینطور و نایباً انظور است - چگونگی مجلس است که بر خانواده اجتماع نگاه پدیدار کند -

خانم گل محمدی مجلس شورای اسلامی اگر میخواهد برای مادر او و خواهرانش که هنوز قومی تعیین نشده دنیا صیغ اسلام از بزرگترین بانوان دینی از حقوق آن بیست کلمه از میان برداریم و تسلیم اصل اختیار کنیم که بزرگترین خدا کار است مشغول باشد و از این بود صیغ و نفع کلیدی که از وجودش سانسز نیست توقع نداشته باشد... همین منافسه که در دهه اول دولتی کافریت مکرر آید در خانه کعبه است مجلس شرفی و مجلس شرف سرزنش خانوادگی گردد و عمر کوتاه هر مجلس که بیش از آنجا چهار ساعت نیست به سه دوگی بزرگتر شود. مملکت هرگز انتظار چنین روزی نداشته و اگر نه بجای تحمل شقاوت و ستم که در گذشته بود که ضندق انتخابات متعلق شدیم هر یک با پاره گسستی باین خانه آمدیم... جمله خشمه آنرا با فک میگویم و این است که خدا را از این جان آفرین ابرجد اجزا جمله استیم. ماه را هر وقت که یاد کنیم تازه است حال این چنین است اگر چه بیسیم کشور را ایران این عهد بدوش ترازو گذاریم که اسلام دوشش امثال چشمی هر آن و فردی که در وقت و غیره بر منوات و ملت - ماد و عرض نظر فرار دارد در - بیاعتنا تا حاصل زده بیار که بخدای توانا آنوقت است که عمر خنیاخته داده معاد خود را در لولای پرچم مقدس اسلام نمریز محفوظ داریم

راتب فروری تصدیق لغت رتبه ای که...
علا محلی دانشور محمد خانی
محمد علی گلوی
محمد علی گلوی
صحت اللغات و بانی
دروسه شرفا نایب مجلس شورای اسلامی
شماره ۹۲۱۵
تاریخ ۱۳۴۹/۱/۱۵

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۸ / تابستان ۱۳۸۹

جدال موافقان و مخالفان حق رأی زنان برای شرکت در انتخابات/ساره عسگری، سیاوش شوهانی

عبده، سفیر کبیر و نماینده دائم در سازمان ملل متحد به وزارت خانه مزبور در خصوص حق زنان در انتخابات در سایر کشورها]



اداره سازمانهای بین المللی - محرمانه

شماره ۱۰۶۶۵۹

تاریخ ۳۷/۱۲/۲۰

پرست ۱۱/۱۱/۲۰

وزارت امور خارجه

۷۳ بیخبر از نظر کار
در بند آخری
۱۱/۱۱/۲۰

ریاست محترم مجلس شورای ملی

یک نسخه از گزارش شماره ۱۸۹ مورخه ۱۶ / ۱۱ / ۳۷ نمایندگی دانی
ایران در سازمان ملل متحد - نیویورک در خصوص مطالبات تطبیقی سازمان
ملل متحد مربوط به قوانین حقوق بشر و انتخابات زنان وانه اماتی که شایسته است
با توجه به گفتنیات در ایران در تساوی حقوق زنان و مردان بعمل آید جهت
است حضار پیوست تقدیم میگردد .

وزیر امور خارجه

در روز پنجم فروردین مجلس شورای ملی
شماره ۲۶۲۲۴
تاریخ ۱۳۲۷/۱۲/۲۳

[سند شماره ۱۱/۱: گزارش دکتر جلال عبده، سفیر کبیر و نماینده دائم در سازمان ملل متحد به وزارت

امور خارجه مبنی بر مطالعه تطبیقی سازمان ملل متحد در خصوص توسعه حقوق اجتماعی و سیاسی زنان در کشورهای عضو و لزوم تجدید نظر در قوانین ایران در این خصوص]

[نشان شیر و خورشید]

نماینده دائمی ایران

در سازمان ملل متحد

محرمانه

وزارت امور خارجه - اداره سازمان‌های بین‌المللی

تعقیب نامه شماره ۱۰۵۲ مورخ ۳۷/۱۰/۲۴ در خصوص اقدامات کشورها درباره تحقق یافتن و اشاعه حقوق بشر توجه وزارت متبوع را مخصوصاً نسبت به یک جنبه موضوع، یعنی حقوق زنان معطوف می‌دارد. در این باره نشریه‌ای از طرف دبیرخانه ملل متحد منتشر گردیده که قابل ملاحظه و توجه می‌باشد. مطالعات تطبیقی که درباره قوانین کشورهای مختلف به عمل آمده حاکی از این است که در ۷۰ کشور در تمام انتخابات زنان با مردان به طور متساوی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دارند. از جمله این کشورها پاکستان - ترکیه - ایتوبی - گاتا - برمه - لبنان - لیبیا را می‌توان نام برد. در کشور تونس زنان در انتخابات شهری، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دارند و در جمهوری متحده عرب، زنان در تمام انتخابات می‌توانند شرکت کنند ولی حق انتخاب شدن آنها تحت شرایطی می‌باشد. نام ایران و افغانستان و یمن و اردن در زمره چند کشوری ثبت گردیده که زنان در هیچ انتخاباتی حق شرکت کردن یا انتخاب شدن ندارند.

تاریخچه سیر تکاملی حقوق زنان می‌رساند که کشورها در راه تعالی حقوق اجتماعی و سیاسی زنان و تساوی حقوق آنها با مردان، اقدامات مثبت به عمل آورده‌اند و اساساً ممالک درباره حقوق زن و مرد به موجب منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر و قطع‌نامه‌های متواتری که از مجمع عمومی گذشته، تعهدات بین‌المللی به عهده گرفته‌اند و به همین جهت به استثناء چند مملکت جملگی در راه تحقق یافتن تساوی حقوق اجتماعی و سیاسی زنان با مردان از طریق وضع قوانین جدید و تجدید نظر در قوانین سابق اقدام نموده‌اند و حتی کشورهایی مثل افغانستان و عراق که هنوز تساوی زن و مرد شناخته نشده از نظر حفظ ظاهر و توجه به مسئولیت بین‌المللی خود زنان فاضل و دانشمندی را در هیئت‌های نمایندگی به مجمع عمومی اعزام دارند [داشته‌اند].

به نظر این نمایندگی، با توجه به مقتضیات زمان مناسب است در ایران نیز اقداماتی در زمینه توسعه حقوق اجتماعی و سیاسی زنان به عمل آید. مثلاً در زمینه قوانین مدنی فعلی مربوط به احوالات شخصیه (مانند تعدد زوجات و قوانین مربوط به... [ناخوانا]) اصلاحاتی صورت گردد. در این مورد قوانینی که در بعضی از کشورها... [ناخوانا] تونس و اتحادیه جمهوری عرب وضع گردیده قابل ملاحظه می‌باشد.

سفیر کبیر و نماینده دائم

دکتر جلال عبده